

انقلاب ۵۷

سالگرد یک رویای به خاک و خون کشیده شده پرویز داورپناه

بیست و هشت سال از پیروزی جنبش انقلابی ملت ایران می گذرد. انقلاب بی نظیری که جهانیان را شگفت زده کرد.

در بهمن ماه ۱۳۵۷، مردم ایران از همه ی اقشار اجتماعی و همه ی گرایش های سیاسی با قیام عظیمی کاخ استبداد شاهنشاهی را سرنگون ساختند، به این امید که از آن پس، سرنوشت خود را خود تعیین کنند. اما، موقعیت ایران و وضع اکثریت مردم کشور ما بدتر از بد شد.

بی عدالتی، نا امنی، هرج و مرج، کشتار و اعدام های دسته جمعی، ورشکستگی اقتصادی، کمبود مایحتاج عمومی، صف های طویل برای خرید نان و تخم مرغ و سیب زمینی و گوشت و میوه، فقدان آزادی، سانسور، اختناق و ماجرا جویی و هزینه سنگین تسلیحاتی که اکنون به فعالیت های اتمی پیوند خورده و هر لحظه خطر حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به وطن عزیز ما را بیشتر می کند، نتایج آن انحراف بنیادین از اصول انقلابی است که اکنون یکبار دیگر به آستانه سالگرد آن رسیده ایم.

هدفهای اساسی جنبش انقلابی مردم ایران عبارت بود از آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی. امروز از آزادی خبری نیست، استقلال ایران بطور جدی در خطر است و عدالت اجتماعی در پرده پندار است.

چرا چنین وضعی پیش آمد؟

بیست و پنج سال بعد از کودتای خائنانه آمریکایی - انگلیسی بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ بر ضد دولت ملی دکتر محمد مصدق، مردم ایران از ظلم و جور و زورگویی و اختناق و سانسور و شکنجه و کشتار و تحقیر و توهین و فساد و دزدی و امتیازات طبقاتی و غارت رژیم آریامهری کارد به استخوانشان رسید و جان های به لب رسیده، ترس و وحشت را از خود رانده، دست به اعتراض و انتقاد و اعتصاب و راهپیمائی زدند. تشنت و افتراق و پراکندگی را از میان برداشتند و همه ی اقشار اجتماعی بتدریج همدوش و همگام شدند و با دست خالی و سینه برهنه به مقابله با عمال ساواک و ارتش تا شاه رفتند. راه پیمائی هائی برپا کردند که در تاریخ جهان کمتر نظیر داشت و موجب اعجاب و تحسین همگان شد، چندان که متحدان خارجی شاه را وادار کرد که زیر پای او را جارو کنند و دستور پروازش را صادر نمایند.

اکنون پس از بیست و هشت سال از انقراض سلطنت، هنوز هم مسئله آزادی های فردی و اجتماعی، بیان و قلم، آزادی اجتماعات و احزاب سیاسی، فعالیت های صنفی، آزادی عقیده مذهبی و فلسفی، آزادی زنان و اقوام ایرانی، آزادی اظهار نظر برای همه ی اقشار مردم نه فقط برای موافقین بلکه بویژه برای مخالفین و معترضین در باره مسائل و شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی، امنیت و حقوق قضائی و در یک کلام مسئله دموکراسی همچنان کامل و یکپارچه بر جای خود باقی است.

از طرف دیگر اوضاع منطقه خاورمیانه هر روز رو به وخامت بیشتری می رود. ادامه سیاست جنگ طلبانه و مداخله جویانه آمریکا در منطقه و اتخاذ سیاست تشنج زای سران حکومت منافع ملی میهن ما را با خطرات جدی رو به رو کرده است.

تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد گام نخست در تشدید برخوردهایی است که اگر به موقع جلوی آن گرفته نشود می تواند به دشواری ها و مشکلات جدی برای میهن ما منجر شود.

شورای امنیت هشدار می دهد که در صورت تعلیق نکردن غنی سازی اورانیوم به تصمیم گیری عاجل بر ضد ایران دست خواهد زد.

دلایل موثقی وجود دارد که احتمال حمله اسرائیل به تاسیسات اتمی ایران را با پشتیبانی آمریکا قوی تر کرده است.

حمله نظامی به ایران، خواه به لحاظ خسارات و تلفات سنگین و اجتناب ناپذیری که در پی خواهد داشت و خواه به لحاظ فرصت هائی که در جهت تجزیه ایران و احتمالا بروز یک جنگ داخلی پیش خواهد آورد، یک فاجعه است.

در چنین اوضاع خطیر و دشواری، راه تامین منافع و امنیت ملی کشور تامین حقوق اساسی مردم ایران است.

حاکمیت جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست سرکوب، فشار، اختناق و ماجراجویی هسته ای آنچنان وضعیتی را فراهم ساخته است که میهن ما را آسیب پذیرتر از هر زمان دیگر ساخته و در یک دوران پر تلاطم تاریخی با خطرات بزرگ مواجه کرده است. (این مقاله قبلا در "گویا" منتشر شده و با اندکی ویراستاری توسط راه توده باز انتشار می یابد.)

راه توده ۱۲۱ ۰۵،۰۲،۲۰۰۷